

جلسه ۲ ۸۷-۸۸ مکاسب محرمة / تصویر و مجسمه سازی

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما در مورد تصویر بود و حکم تصویر بنابر قول مشهور اصل حرمت تصویر فی الجمله مسلم بوده و به این دلیل هم در مکاسب محرمة مطرح شده است.

تقسیم هنر بالنسبة احکام شرعی

مطلبی را که باید تأکیداً عرض کنم این است که مقوله هنر و انواع و اقسامی که دارد تبعاً امر مهمی است که موضع اسلام و موضع شریعت در قبال آنها مشخص شود و به هر حال اصل هنر یک مقوله انسانی است که با تاریخ بشر آمیخته بوده اما ما وقتی که به انواع هنر و موضع دین نسبت به آنها توجه کنیم بعضی از اقسام هنر را می بینیم که اصلاً دین هم خیلی ترغیب و تشویق کرده و آمیخته با منابع و متون دینی است، بعضی هنرها را می بینیم که حالت محرم روشن دارند، بعضی هم حالت حداقلی اش این است که ترغیبی نسبت به آنها نیست، به عبارت دیگر در انواع هنر که ما نگاه کنیم احکام خمسة را راجع به آنها می بینیم.

بعضی از هنرها مورد ترغیب قرار گرفته مثل هنرهای کلامی، فصاحت، بلاغت، خطابه، اینها اقسام مورد ترغیب واقع شده از سوی دین است که زیبا سخن گفتن، درست سخن گفتن، فصاحت، بلاغت یا خط زیبا یا حتی زیبایی در تزئیناتی که سال قبل اشاره شد فی الجمله یا بالجمله مورد ترغیب قرار گرفته است. بنابراین یک گروه از هنرها که مستقیم با درجات متفاوتی که نسبت به آنها است، ترغیباتی وجود دارد، علی الختلاف درجاتها و انواعها، این یک نوع از هنرست. دسته دیگری از هنر، واضح و روشن است که مورد نهی قرار گرفته است مثل غنا و... بعضی از این قبیل هنرهایی که روشن است.

مجسمه سازی و تصویر در ادیان گوناگون

الف. مجسمه سازی و تصویر در مسیحیت

این امر کلی است بنابراین موضع اسلام و شرع نسبت به هنرها تبعاً موضع متفاوتی است. نسبت به بعضی از آنها ترغیب و تشویق وجود دارد، یا هنرهای دیگر هم وجود دارد و که قطعاً نسبت به آنها نهی وجود دارد، و مواردی هم محل اختلاف است مثل مجسمه سازی و این قسم از هنر، بعضی از بخش ها شاید محل اختلاف باشد. این بحث موضع کلی است و همان طور که دیروز مطرح شد خیلی مناسب است از همین زاویه و مجموعه هنر را مورد بحث قرار دهیم و بعد بگوییم موضع شریعت نسبت به اینها چیست؟ و این بحث تصویر در این جایگاه و در این جدول هنرها قرار می گیرد که باید تعیین تکلیف شود. اشاره ای هم به این کردیم که به دلیل همین نوع روایات و مواضعی که در اسلام نسبت به مجسمه و امثال اینها وجود دارد، اصولاً یک تفاوت جوهری تمدن اسلامی با آن چه که قبل از اسلام در جاهلیت بوده و در تمدنها و فرهنگ های بت پرستی بوده است.

الف. مجسمه سازی و تصویر در مسیحیت

در فرهنگ مسیحیت طبق آن چه که تعیین شده اش امروز وجود دارد، و امروز رواج دارد، یکی از شاخص های موجب بروز تفاوت های موجود همین پرداختن به مجسمات بوده است. قدر متقنش این بوده که ما بعضی از مواردش ممکن است بگوییم حرام است، بعضی هم بگوییم حرام نیست، قدر متقنش این است که نسبت به این هنر ترغیب و تشویقی وجود ندارد، فلذا این اندازه امر مسلم است و همین مسأله از ممیزهای فرهنگ های اسلامی با بسیاری از فرهنگ ها و تمدن های دیگر است. به خلاف مسأله خط و حتی صوت حسن نه غنا، و فصاحت و بلاغت و هنرهای خطابی و ... در آن موارد ما ترغیب و تشویق داریم و یک مواردی هم واضح است که تحریم داریم. در کلیت بحث مجسمه و امثال آن حداقل مجسمه تجسیمش و سه بعدیش قدر متقنش این است که ما شاهد ترغیب و تشویقی نیستیم. علاوه بر این که مواردی از آن با اختلاف اقوالی که اشاره می کنیم، حرمت و قول به تحریم هم وجود داشته است. از این جهت است که نکته دیروزی که بیان کردیم که یک تفاوت و تمایز فرهنگی در اینجا مشهود و ملموس است. این تفاوت فرهنگ اسلامی از صدر اسلام تا به امروز با فرهنگ های بت پرستی و با فرهنگ مسیحیت که امروز در غرب است و تجسد و تجسم پیدا کرده است، روشن است که در آن تمدن ها به سمت مجسمه رفته اند و مجسمه سازی و این هنرهای تزئینی بینشان خیلی مطرح است.

ب. مجسمه سازی و امثال آن در اسلام

در دنیای اسلام و تفکر اسلامی حداقلش این است که ترغیب و تشویقی وجود ندارد، این را نمی شود هیچ انکاری در موردش داشت چون خیلی واضح است و همه تلاش فقهاء و بحث ها این است که یک مجموعه روایاتی که حالا ۵۰ الی ۷۰ روایت در این بحث است، که غالباً نگاه و لحن و بیان توییحی نسبت به تصویر و تمثیل دارد، مرز و حدود مفهومی اینها را مشخص کند، و اما روایت و قولی که ترغیب و تشویقی نسبت به اینها داشته باشند، مطلقاً وجود ندارد، بلکه لحن و بیان، لحنی توییحی و تنزیهی است. منتهی حد و دامنه و محدوده موضوع البته چیزی است که باید بحث شود. این هم به هر حال از این جهت است که در مقدمات یکی از تفاوتها این است.

دین و هنر از منظر جامعه شناسان

بعضی جامعه شناسان مثل وبر که جامعه شناس مشهوری است، از وی نقل شده که گفته است که دین با هنر سازگار نیست. بعضی در نقطه مقابل خیلی تأکید می کنند که دین با هنر خیلی درآمیخته است. این دو سخن که دو سوی مقابل زده شده است این دو حرف به کل از موضع اسلام درست نیست. این که بگوییم دین اصولاً با هنر سر و کاری ندارد و دین نقطه مقابل هنر است این کلیتی ندارد، این که بگوییم دین با هنر به طور مطلق آمیخته است وجهی ندارد، دین بعضی از هنرها مثل فصاحت و بلاغت و.. با متون دینی ما درآمیخته است و اصلاً وجه

اعجاز خیلی متمایز است، قرآن در همین هنر بیانی بوده است، هنرهای مثل خط و اسب سواری و تیراندازی و... اگر جزء هنر بدانیم اینها در بعضی موارد ترغیب شده است، پاره ای از هنرها هم به عنوان اولی ترغیبی ندارد، با عناوین کلی باید تعیین تکلیف کرد، اما یک بخشی از هنر هم مذمت شده است. بنابراین این یکی دو تعبیری که جامعه شناسها و تحلیل گرهای بحث های هنری و... در غرب وجود دارد، که گاهی گفته اند دین با هنر ناسازگار است، گاهی گفته اند دین با هنر خیلی رابطه نزدیکی دارد، این دو به طور بالجمله خطا است، فی الجمله هر دو درست است حکم کلی اینجا وجود ندارد، و این تمایز اجمالی هم بین این رویکرد فرهنگی و تمدنی اسلام با فرهنگ و تمدن بت پرستی و تمدن های شرقی و غربی غیراسلامی ملموس و محسوس است. در این جهت و از قدیم هم بوده و الآن هم هست، فلذا الآن در معابدش و کنیسه هایشان و کلیساهایشان تصاویر و مجسمات بوده و بت پرستی ها قوامشان به این مجسمات بوده است. اما در فرهنگ و تمدن اسلامی شاهد چنین چیزی نیستیم. قطعاً ترغیب و تشویق در این موارد وجود ندارد.

اما مقدمه دیگر، دیروز اشاره شد که دامنه بحث تصویر و هنرهای طبعاً در دنیای امروز خیلی توسعه پیدا کرده است و لذا بحث مهمی که بعد از بررسی روایات داریم ببینیم که این مصادیق نوع، عکسبرداری و فیلمبرداری کارهای گرافیکی که انجام می شود هنرهایی که در فضای رایانه است، هنرهای تجسمی و چیزهایی که در فضای رایانه ای و مجازی است، یا حتی رباط و... به نحوی مقوله های جدیدی است که در ادامه بحث و پیوست های بحث در تکمله های بحث به آن خواهیم پرداخت.

تقسیم بندی مصورات از لحاظ ذی روح و دارای بُعد بودن

این تقسیم که چهار حالت برایش متصور است: تصویر نقش گاهی به تصویر موجود ذی روح است، ذی روح اعم از حیوان و انسان حتی فرشتگان و جنیان است، همه اینها را شامل می شود. یک وقت هم تصویر درخت و کوه و صحنه هایی از این قبیل مثل ماه و خورشید است هر یک از اینها گاهی به شکل سه بعدی مجسمه است، گاهی به شکل همان نقش و رسم و نقاشی است البته حالا این را در تکمله می گوئیم گاهی حالت مجسمه ای به آن معنی ندارد، حالت نیم رخی دارد، که سه بعدی ناقص است که باید حکمش روشن شود ولی از نگاه کلان این چهار قسم است.

بررسی فتاوی مختلف در مورد تصویر و تمثیل

اما این نکته و مقدمه آخری هم که با این وارد بحث می شویم همان اقوال در مسأله است. ما دیروز عرض کردیم که موضوع سابقه طرحش طولانی و ممتد است، از همان ابتدای اسلام است و به نحوی در خود قرآن کریم هم این بحث مطرح بوده است و حداقل در دو آیه شریفه که در سوره های بقره و سبأ است، این بحث تمثیل مطرح شده است. فلذا بحث یک بحث سابقه داری است هم در متون دینی خود قرآن و روایات که کثرت روایات در مورد

داریم و هم در فتاوا و کتب فقهی عامه و خاصه سابقه دارد، اقوال در مسأله را معمولاً چهار احتمال گرفته اند، که با عنایت به یک احتمال دیگری هم که به این افزوده می شود پنج احتمال می شود:

الف. تحریم مطلق تصویر و تمثیل

به این ترتیب است که یک احتمال که قائل هم دارد، این است که کسی بگوید تصویر و تمثیل به طور مطلق حرام است. مطلق که می گوئیم در مقابل دو تقسیم است یکی تصویر ذوات ارواح، یکی تصویر به نحو سه بعدی، و تجسیم یا به نحو رسم و نقش است. احتمال اول و قول اول این است که همه اینها حرام است، که این قول وجود داشته ولی خیلی رایج نبوده است بعضی لاقل به نحو احتیاط مایل به این شده اند و این که بعضی ها حتی عکس را اشکال می کردند، و لاقل در گرفتن عکس احتیاط می کردند و این که اجازه را هم نمی دادند برگشت به نگاه موسع در حرمت تصویر به جمیع اقسام داشته سواء کان فی مورد تصویر ذی الروح أو غیر ذی الروح، و سواء کان علی نحو التجسیم که سه بعدی است یا علی رسم و نقش. این یک قول است که همه اینها حرام است.

یک قول مقابل این است که این کم و لاقل است و به نحو احتمال مطرح شده است کسی بگوید که هیچ کدام از اینها لاقل حرام نیست، فعلاً بحث ساختن را داریم و ساختن هیچ کدام از اینها حرام نیست، آن چه که حرام بوده است همان بت سازی بوده است، و این احتمال داده شده است که کل این روایات و اخباری هم که بوده مربوط به فضای بت سازی است که در صدر اسلام بوده است و تقابلی که تمدن و فرهنگ اسلامی با فرهنگ جاهلی پیدا کرد، و با توجه به آن ریشه هایی که دوانده بوده بت پرستی در فرهنگ جاهلیت و حتی مسلمانهایی که بعد هم به اسلام گرویده بودند اسلام برای زدودن آثار بت پرستی یک مقابله شدیدی کرده است که آن تمام شود و این حکم در واقع یک حکم تأکیدات ناظر به آن زمان است و حکم هم فقط تصویر و تجسیم برای بت و بتها اشکال دارد، البته نمی گوئیم این حکم، حکم مقطعی بوده است، می گوئیم این حکم، همیشه حکم بوده است الان هم برویم در هند یا در جاهای دیگر تصویر و تجسیم شود برای بت، الان هم حرام است.

ب. عدم تحریم مگر برای بت سازی

و اما آن چهار قسم دیگری که در واقع اینجا مطرح شده است اینچنین نیست که بما هو حرام نیست مگر این که در جهت بت سازی قرار گیرد، این هم یک احتمال که به نحو احتمال حضرت امام در مکاسب مجرمه آورده اند. بعضی ها ممکن است قائل به این امر شوند که یک خرده جرأت می خواهد، کل این اخبار و روایات ناظر به فقط همان فضای بت تراشی و پیکر تراشی و صورت گری است در مقام ایجاد و خلق و ساختن اصنام و اوثنان است اما اگر در مقام تصویر و تجسیم صنی و اصنام و اوثنان نباشد اشکالی ندارد و این هم احتمالی است که در احتمالات امام وجود دارد، البته فتوا و قول ایشان نیست، اما ممکن است کسانی هم به آن قائل نباشد، قائل مشخصی به نظرم نمی آید. این هم احتمال دوم است که ربما یکون له قائل.

ج. تحریم مجسمه ذی روح (ذو ابعاد ثلاثه و ذی روح باشد)

احتمال سوم که این مشهور است و بلکه ادعای اجماع بر آن شده است بگوییم یک قسم حرام است، بقیه جایز است، آن تمثیلی که حرام است مجسمه ذی روح است، اگر نگوییم اجماع است، شهرت وسیعه و عظیمه ای نسبت به آن دارد، و قائلین زیادی دارد و همین معاصرین ما مثل آقای خوئی و تبریزی و امام و... به همین سمت رفتند که دو تا قید برای حرام است که هم باید مجسمه باشد، ذو ابعاد ثلاثه باشد، نقاشی و اینها اشکالی ندارد و عکس و تصویر اشکال ندارد، مجسمه اشکال دارد مجسمه ذی روح و الا اگر مجسمه یک گل یا خورشید و... را درست کند، مانعی ندارد. این هم یک احتمال است که قائلین دارد.

د. تحریم مجسمه (ذی روح یا غیر ذی روح / ذو ابعاد ثلاثه باشد)

احتمال بعدی و قول چهارم این است که قائل هم دارد، این است که بگوییم آنی که حرام است مجسمه است چه مجسمه ذی روح و چه غیر ذی روح، ملاک فقط مجسمه بودن است و آن هم حرام است ذی روح و غیر ذی روح تفاوتی نمی کند این هم یک احتمالی است که قائل زیادی ندارد.

و. تحریم تمثیل و یا تمثال ذی روح

احتمال پنجم این است که ملاک را اینگونه قرار دهیم و بگوییم محرم این است که تصویر ذی روح باشد، چه مجسمه باشد چه عکس و صورت و نقاشی باشد، همین که ذی روح بود ملاک حرمت است.
طلبه:

استاد: بله، آن هم می شود پلاستیکی هم می شود در تزئینات خیلی فروعات داریم که بحث خواهیم کرد.
این هم احتمال پنجم که قائل دارد.

آن چه که بیشتر قائل دارد، در حقیقت همان احتمالی است که بگوییم که هم قدر متقنش قصه است، هم قائل خیلی فراوانی دارد، همان سومی است که بگوییم آن چه که محرم است مجسمه ذی روح است این را نباید ساخت اما اگر مجسمه نباشد، اشکالی ندارد، چه ذی روح و چه غیر ذی روح، نقاشی و عکس و فیلم و طراحی و گرافیک چه برای انسان و حیوان و چه موجودات طبیعی باشد مانعی ندارد، همان طور که اگر در غیر ذی روح در موجودات غیر ذی روح حتی مجسمه اش مانعی ندارد، احتمال سوم یک قولی است که جافتاده است و خیلی قائل دارد، اما قول های چهارم قائلی ندارد، قول پنجم نباید تصویر ایجاد کرد، چه به نحو تجسیم و چه به نحو رسم و نقش، این هم کم و بیش قائلی دارد.

طلبه:

استاد: باید مفصل بحث کنیم که انگیزه و قصدی است که در مکاسب هم است و آقایان هم مطرح کردند، بعداً بحث می کنیم. بعضی قید زده اند گفتند هر جا که حرام است قصد هم دخالت دارد، البته ما آنها را نفی می کنیم و بحث می کنیم.

سه مقام بحث داریم، یکی بحث ساختن است و ایجاد این صور است، یکی بحث نگهداری و یکی بحث خرید و فروش و معامله اش است. مقام اول ما همین ایجاد و خلق این صور و مجسمات است که اقوال را گفتیم و الان وارد بحث می شویم.

در ادله که بخواهیم وارد شویم اول خود آیات قرآن است که دیروز اشاره ای به آن کردیم، بعد وارد روایات می شویم که یک طوائفی از روایات در موضوع داریم ما یک به یک این ها را بحث می کنیم و در هر کدام مشخص می کنیم که محدوده دلالت روایت تا کجاست؟ آیا همه این چهار قسم را دربرمی گیرد، چه مجسمه چه نقش و صورت چه ذی روح چه غیر ذی روح همه را می گیرد یا بعضی را می گیرد. ترتیب بحث ما این است. ما بعد از روشن کردن سابقه بحث و مقدمات بحث و آن وجوهی که داشت را عرض کردیم و اقوال را اشاره کردیم آیات و روایات را بررسی کردیم و در هر کدام حدود و دلالات را مشخص می کنیم بعد به یک قولی در این چهار قسم می رسم می پردازیم به یک بحث های تکمیلی که مصادیق جدید این بحث ها را در بحث های تکمیلی جدا جدا بحث می کنیم. از رباط گرفته تا عکس و فیلم و اینها همه آن وقت در بحث های تکمیلی جدا مورد بحث قرار می دهیم فعلاً در فضای بحث سستی که موجود بوده و چهار قسم متصور بوده و مستند این بحث مجموعه ای از روایات هستند این را مورد بحث قرار می دهیم و آن بحث های جدیدترش را در مباحث تکمیلی اضافه خواهیم کرد.

آیه ۵۲ سوره انبیا

اما ادله و مستندات این اقوال و احتمالات از آیات و روایات به این ترتیب است:

یک آیه که در سوره انبیا باشد که حضرت ابراهیم فرمود ما هذه التماثيل التي انتم لها عاكفون، آنجا در قصه حضرت ابراهیم آمده است. که حضرت فرمود این تماثیل چیست که شما نسبت به آنها عبادت و کرنش می کنید؟ این آیه است و آیات دیگری هم است که ممکن است با این بحث و بت ارتباط داشته باشد، این قبیل آیات مستقیم ناظر به بحث پرستش بتها است، که بت ها معمولاً به صورت مجسمه بوده است، محدوده اینها بیشتر به سمت مجسمه هایی بوده است که مورد پرستش قرار می گرفته است، دلالت مستقیم آیات و مطابقی آیات پرستش بت است، که حرمتش واضح است و حرمتش عقلی است قبل از شرعی بودن است و شرعی هم بر آن تأکید شده است و ابتداء و مستقیم به پرستش برمی گردد و منتهی ممکن است با توجه به این که حضرت ابراهیم اینها را از بین برد، و قرآن هم به عنوان یک عمل جهادی از آن یاد می کند، و با ملاحظه آن چه که در روایات آمده است، بت را و هم بت سازی را درست نیست، هم شکستن و از بین بردنش واجب است، این آیات می شود بگوییم به دلالت التزامی دلالت بر این می کند که ساختن بتها حرام است و محوش واجب است. این یک مطلب استفاده شده التزاماً از آیات است و اگر این استفاده را نکنیم مفصل آیات را بحث داشتیم و بحث های بت سازی و ابزارهای گناه تحت عنوان ابزارهای گناه در سالهای قبل بحث شد و عرض شد که یکی از مهمترین ابزارهای گناه ابزار

شرک است، و وسایلی است که با آن بت پرستیده می شود این قطعاً حرام است و قطعاً این آیه هم دلالتی هم داشته باشد در بحث ساخت بت و چیزهایی که در بحث های بت و شرک و.. هست این قبیل آیات مربوط به آن دسته است یک اطلاق و چیزی در ما هذه التماثل التي اتم لها عاكفون، در این آیات نسبت به ساختن مجسمه یا ایجاد صور و نقاشی و طراحی وجود ندارد، کاملاً بحث، بحث ویژه ای است، بت پرستی و ایجاد بت است که این هم چیزی نیست که آیه تنها باشد و روایات و ادله قاطع و محکم و براهین روشنی وجود دارد، سال گذشته هم بحث شده است.

طلبه:

استاد: من يعمل صليلاً أو صنماً آنجا بحث کردیم که به مناسبت آن گفتیم که اصولاً ساختن اینها همه حرام است و ادله هم دارد، منتهی همه اینها بحث بت است و کار مجسمه که برای زیبایی درست می کنند یا برای اسباب بازی ایجاد می شود کاری ندارد، این آیه ای که مربوط به قصه حضرت ابراهیم است و مجموعه ای است که به ساختن بت برمی گردد. اینها همه ادله مضیقی دارد و هیچ وقت نمی تواند در یک دامنه وسیعی بحث ما را پوشش بدهد.

آیه ۱۳ سوره سبأ

آیه ای دیگری در قرآن است که در نقطه مقابل آیه قبلی است، آیه ۱۳ سوره سبأ هست که در قصه حضرت سلیمان وارد شده است و آن آیه این را می رساند که يعملون له محاریب و تماثل می گوید جنیانی در خدمت حضرت سلیمان قرار گرفتند چون عظمت و شکوه سلطنت حضرت سلیمان یک چیز مثال زدنی بود و ایشان از انبیائی بود که حاکمیت ظاهری خیلی باشکوه و مجللی هم پیدا کرد و قرآن هم این را نشان داده آن عظمت و شکوه ظاهری حضرت سلیمان و یکی هم از مظاهر عظمت این حکومت و اقتدار حضرت سلیمان این بوده که حتی موجودات فرا طبیعی و فرامادی در خدمت حضرت قرار می گرفتند از باد و... و از جمله خود جن هایی که در خدمت حضرت بودند که قصه اش در سوره سبأ آمده است. یکی از آن بحث ها در آنجا این است که يعملون له محاریب و تماثل می گوید اینها برای حضرت تمثال می ساختند.

طلبه:

استاد: قلیل من عبادی الشکور، که آیات قبل و بعدش در مورد حضرت سلیمان و آن عظمت و گستره اقتدار ایشان است، و اینجا در نقطه مقابل این تنها تقریباً تنها چیزی که ما در مجموعه ادله داریم که نوعی جواز و.. را می رساند همین جاست که می گوید برای حضرت سلیمان جنیان و پریان تماثیلی می ساختند که قدر متیقنش همان مجسمه هاست، این آیه آنجاست و این آیه نقطه مقابل آن است و دلیل بر جواز است که کل ادله کتاب و روایات اگر مراجعه کنیم آن ادله ای که در بحث مجسمه به نحوی جواز را می رساند، غیر مجسمه چرا؟ ممکن است دلیل داشته باشیم، همین آیه شریفه است.

طلبه:

استاد: و يعلمون لها ما يشاء

طلبه:

استاد: يعملون لها ما يشاء من محاريب و تماثيل، تماثيل را ديروز بحثش را كرديم هم تماثل و هم صورت قدر متقن اينها اين است كه شامل مجسمه مي شود از نظر لغت، شمولشان نسبت به نقاشي محل بحث است، و الا تماثيل شامل مجسمه مي شود.

طلبه:

استاد: يعني غير ذي روح، بله در روايت از حضرت امام صادق (عليه السلام) آمده است، اين احتمالش است. اين ظاهر چيزي است كه ممكن است به اين استشهاد شود براي اين كه در نقطه مقابل آن آيات و تماثيل است اين مي گويد براي حضرت سليمان تماثيلي ساخته مي شده است.

آن چيزي كه در روايات است عين مطلبی نيست كه شما مي فرماييد ولي با يك شكل ديگري همين در روايات آمده است.

اينجا البته در اين آيه كه چند تا بحث وجود دارد، كه من به اختصار و اجمال به آن اشاره اي مي كنم.

در آيه ۱۳ سوره سبأ مقصود از تماثيل چيست؟

در اينجا اگر ما باشيم و خود آيه به تنهائي، آيه قطعاً شامل قدر متقن همان مجسمه است، و به اطلاقش مجسمه ذي روح را در برمي گيرد، ما يشاء هم كه يعني هر چه مي خواهد خواست او هم مطلق است مگر اين كه دليلي بگويد ما يشاء محدود است، تا دليل نداشته باشيم اطلاق است، بنابراين تماثيل گر چه بعد بحث خواهيم كرد كه آيا شامل صورت مي شود يا نمي شود؟ ولي قطعاً شامل مجسمه مي شود. بعد باز بحث مي كنيم كه آيا تماثيل شامل غير ذي روح مي شود ولي قطعاً شامل ذي روح مي شود فلذا اگر ما باشيم و لغت، تماثيل هم شامل قدر متقن آن مجسمه ذي روح است، آن ما يشاء هم كه تا وقتي كه مقيدى نداشته باشيم اطلاقش است، يعني هر چه دلش مي خواست، ممكن است يكي از چيزهايي كه دلش مي خواهد همين شايد باشد. همين كه احتمالش است، اين اطلاق به حال خودش باقي است، مگر دليلي باشد بنابراين اين بحث است، كه مقصود از تماثيل چيست؟ پاسخ به اين سوال كه مقصود چيست؟ اگر ما باشيم و خود آيه شريفه، شامل مجسمه و مجسمه ذي روح مي شود و اطلاقش اين را مي گيرد، اما در رواياتي كه در ذيل اين آيه وارد شده است، امام صادق (عليه السلام) فرمودند: البته روايتش معتبر نيست، اما فرمودند كه قسم خوردند كه مقصود البته نگفتند مجسمه نيست، گفتند مجسمه ذي روح نبوده است، اين روايات يك مقدار قضيه را عوض مي كند، شايد روايات زياد باشد، ولي دو روايت اينجا است.

اين دو روايت اين است:

يك روايت در جلد ۳ وسائل از وسايل هاي ۲۰ جلدی از باب احكام مساكن، كتاب صلات باب ۳، حديث ۴ و ۶: حديث ۴ اين است عن محمد بن يحيى عن احمد بن عبدالله بن محمد بن عيسى عن علي بن حكيم، عن ابيان بن

عثمان عن ابی العباس: من فکر می کردم سند اعتبار ندارد، ولی شاید اعتبار داشته باشد، ابی العباس را ملاحظه می کنیم، فکر می کنم ابی العباس مشترک بین چند تاست، از این جهت شاید اشکالی در سند پیدا می شود. از امام صادق است فی قول الله عزوجل: يعملون لها ما يشاء محاریب و تماثیل فقال حضرت فرمود: یک سوالی بود که ما که می گوئیم اشکال دارد چطوری اشکالی ندارد؟ حضرت فرمودند والله ما هی تماثیل الرجال و النساء و لکنها الشجر و شبهه، قسم یاد کردند که این تماثیل مجسمه رجال و نساء نیست، بلکه این تماثیل و تصاویر درخت و مناظر و موجودات طبیعی و غیر جان دار بوده نه موجودات جاندار، روایت دیگری هم است که در روایت ۶ هم هست که: همین مضمون است منتهی از امام باقر (علیه السلام) است عن داوود بن حسین عن الفضل أو ابی العباس این نشان می دهد که ابی العباس آنها همین فضل است که فضل توثیق ندارد ظاهراً.

ظاهراً راوی از هر دو امام این را سوال کرده است آنجا از امام صادق است، اینجا از امام باقر (علیه السلام) است. قلت لابی جعفر فی قول الله عزوجل يعملون لها ما يشاء من محاریب و تماثیل جفان ک..... قال: ما هی تماثیل الرجال و النساء و لکنها تماثیل الشجر و شبهه. که این دو روایت در حقیقت قید زده آن اطلاقی که اول از خود آیه استفاده می شود. ما اگر بودیم و خود آیه می گفتیم که همه اینها را شامل می شود و قدر متقننش مجسمه ذی روح بوده است، بخصوص در تاریخ یک چیزهایی نقل شده است با صرف نظر از سند، گاهی حالت اعجاز حضرت داشت می آمدند برای حضرت مجسمه هایی می ساختند و بعد اصلاً روح در آن دمیده می شد ولی به هر حال این روایات در ذیلش آمده است البته این روایات سندش معتبر نیست. این یک بحث که تماثیل به ظهورش شامل آن می شود اگر روایات معتبر بود ظهور را عوض می کرد البته این معتبر نیست. فلذا نمی شود نفی کرد که تماثیل این جا مجسمه را می کرد، ظهورش را باید اخذ کرد.

آیه ۱۳ سوره سبا جواز ساختن تمثال برای انسان یا جن؟

بحث دوم در آیه این است که این دلالت بر جواز این امر برای انسان هم می کند یا نه؟ چون اینجا جن بود و جنیان بودند که این چیز را برای حضرت سلیمان می ساختند، و البته چون تقریر حضرت سلیمان است نشان می دهد که جایز است. اصل استدلال از اینجا است تقریر معصوم است، که مفید جواز این امر است چون برای آن کار می کردند و نفی نمی کردند و بلکه از آن استفاده می کرد. وجه استدلالش این است چون تقریر حضرت سلیمان است جایز است منتهی بحث این است که تقریر نسبت به جنیان است آیا شامل انسان هم می شود.

طلبه:

استاد: نگهداری بحث دیگری است. بحثی که مستقیم خود حضرت انجام می داده بحث نگهداری است، فلذا همین آیه را در مقام دوم که بحث نگهداری مجسمات است باز هم بحث می شود فعلاً ما در ساخت بحث می کنیم در ساخت دلالت این آیه بر جواز این به تقریر است نه به فعل معصوم است. دلالت آیه بر جواز نگهداری تماثیل فعل معصوم است، که خود حضرت نگهداری می کرد برای ایشان می ساختند دلالت آیه بر بحث ساخت این به تقریر

نه به فعل است چون خودش نمی ساخت می ساختند و حضرت نفی نمی کرد، این هم بحثی است که با تقریر حضرت جواز افاده می شود اما این جواز کار جن بوده است، ممکن است بگوییم شامل انسان نمی شود این هم سوالی است که کسی بگوید این شامل انسان نمی شود.

پاسخ آن، این است که اصل این است که جن و انس در تکالیف مشترکند و ظاهر ادله این است که تکالیفی که وجود دارد، در شریعت برای جن و انس است و مبعوث شدن انبیاء و تکالیف برای همه بوده است در مورد بعضی انبیاء و خود پیغمبر ما به خصوص آمده است که خطاب به جن داشتند و تکالیف به جن و انس مشترک است فلذا آن هم دلیل خاصی می خواهد که بگوییم که شامل آن نمی شود علی القاعده این القاء خصوصیت می شود و فرقی نمی کند که جن و انس.

طلبه:

استاد: اصلاً بحث آلات شرک نیست، حضرت سلیمان که حاشا و کلا و معاذ الله که آلات شرک باشد، آن و آیاتی که منع می کردند. این که معلوم است که معاذ الله که در مقام تصور شرک در آن جا شود. بحث ما ربط دارد، بحث ما جایی است که شرکی در کار نیست، این هم بحث دوم است که باز به نظر می آید که آیه دالالتش مشکلی ندارد، و شامل انس هم می شود.

آیه ۱۳ سوره سبا دالالت بر جواز تصویر در شریعت محمدی (ص)

بحث سوم این است که در آیه شریفه که این حکم مربوط به شریعت سابقه بوده است، حکم مربوط به شریعت دیگری غیر از شریعت محمدی صلوات الله و سلامه علیه بوده است مربوط به شریعت حضرت سلیمان بوده است، و ممکن است کسی بگوید که این شریعت دیگر تسری نمی کند این حکم از آن شریعت به شریعت ما.

در این بحث هم این یک سوال دیگری است این هم پاسخش این است که این در شریعت ما هم است، این آیه اگر به تنهایی بود می گفتیم حکم اسلام هم این است، علتش هم دو نکته است یکی این که این بحث در قرآن آمده است و قرآن یک چیزی را از شریعت دیگر نقل می کند اصل این است که این را قبول دارد، مگر این که دلیلی داشته باشیم، مثلاً در قصه داستان حضرت موسی و شعیت و دختران و... یک چیزهایی آمده است در نکاح و.. بعضی اش ممکن است دلایل خاصی داشته باشیم که این دیگر در شریعت ما نفی شده است والا ظاهر این که ظاهر و مستفاد از ظهور طرح این نوع مسائل در قرآن ولو از انبیاء سابق این معنایش این است که در این شریعت هم مورد قبول است. خیلی از احکام و مسایل و معارف است که از زبان انبیاء گذشته و از سیره آنها در قرآن نقل شده است. طرح آن موضوع در یک منبع دینی اسلام که مهمترین آن هم قرآن است این حکایت می کند که حکم اسلام هم این است. در روایات هم داریم که اگر امام دارند چیزی را از انبیاء قبل نقل می کند، معنایش این است که ما هم قبول داریم. این اولاً و ثانیاً هم آن بحث استصحاب شرایع سابقه است که در رسائل در همان استصحاب خواندید. خیلی هم بحث مهم و جالب و پیچیده ای است که حالا این را هم این ظهور لفظی هم نباشد ممکن

است بگوییم که استسحاب شریعت سابقه و حکم شریعت سابقه می شود کرد البته این استسحاب بحث پیچیده ای دارد که شاید درست باشد در جای خودش ولی همه ابعادش در جای خودش. این هم بحث سوم است. از دید ما هر سه موضوع مهمی که اینجا مطرح شد پاسخش این است که در موضوع اول می گوییم تمائیل چون روایات عام نیست، تمائیل شامل مجسمه هم می شود مجسمه ذی روح می شده است، و در بحث دوم هم این شامل انس هم می شود تقریر معصوم شامل انس هم می شود با القاء خصوصیت، در بحث سوم هم می گوییم که در اسلام هم همین است یعنی ما اگر باشیم و ظهور این آیه باید بگوییم این آیه تجویز می کند در حد تجویز، تجویز می کند ساخت تمائیل را منتهی با این قید که در مقام بت و بت پرستی نیست و غرض دیگری دارد، تا اینجا ظاهر آیه این است بنابراین ما تا اینجا فعلاً این دو یکی آن آیه و آیاتی که مربوط به تمائیل و اینهاست و بت هاست بحث کردیم که گفتیم این مربوط به بت پرستی است این آیه مربوط به غیر مقام بت پرستی است، و یک چنین ظهوری بعید نیست که داشته باشد، تا ادامه بحث و روایات.

صلی الله عل محمد و آل محمد